

بخش شعر کوتاه در زبان فارسی



سید علی میرافضلی

شعر کوتاه از قالب‌های اصیل و اصلی ایرانی بوده است. از جمله این قرائن، نمونه‌های بهجا مانده از اشعار قدیم در متون فارسی و عربی است

البته در شعر دری، «بیت» که دو مصراع دارد، معیار سنجش قالب‌هاست. ما به دلیل آن که بعضی از نمونه‌های شعر قدیم سه سطری است و یکی از مهم‌ترین منظومه‌های مانوی به نام «انگد روشن» نیز از ۱۳۵ مصراع تشکیل شده است (اسماعیل پور، ص ۱۹۴)، واحد شعر کوتاه را سطر می‌گیریم. مؤید این نظر آن است که بعضی از پژوهشگران معتقدند اساس نام‌گذاری رباعی، شکل چهار مصراع‌ی آن است (کاوان، ص ۱۰۴؛ و نیز ر.ک. شمیسا، ص ۱۶ - ۱۷).

الف. اشعار کوتاه دو سطری

در فاصله انقراض دولت ساسانی و قدرت یافتن امیران ایرانی در قرن دوم پس از اسلام، در منابع موجود نمونه‌هایی را از اشعار کوتاه دو سطری که به فارسی دری است، می‌توان یافت. ابن خردادبه در کتاب «المسالک و الممالک» (تألیف در حدود ۲۳۰ ق.) شعر دو لختی هفت هجایی زیر را به بهرام گور منسوب کرده است:

منم شیر شلنبه

و منم ببر بيله

(صادقی، ص ۵۵)، (۲)

همچنین از ماجرای فتح بخارا به دست سعید بن عثمان در سال ۵۶ هجری و عشق او به پادشاه بخارا که خاتونی بود، سرود دو لختی زیر را از زبان مردم بخارا نقل کرده‌اند:

گو وور خمیر امد

خاتون دروغ گنده

(همان، ص ۶۶)، (۳)

همچنین حدس زده می‌شود بیتی که به ابو حفص سغدی (سده سوم

بخشی از مهم‌ترین نمونه‌های شعر قدیم فارسی را شعرهای کوتاه تشکیل می‌دهد. البته در ایران پیش از اسلام، سنت شفاهی بیش از سنت کتبی اهمیت داشته و از این رو، آثار اندکی از اشعار پارسی کهن به دست ما رسیده است (ر.ک. تفضلی، ص ۳۱۲؛ اسماعیل پور، ص ۱۱۸-۱۱۹) در اندک نمونه‌های باقی مانده از شعر پیش از اسلام، ما با اشعاری مقفا و با وزن هجایی - و بنا به اعتقاد بعضی پژوهشگران وزن تکیه‌ای - مواجهیم (در مورد وزن شعرهای قدیم، ر.ک. طیب‌زاده، ص ۱۷).

با آثار پراکنده اندکی که از شعر قدیم فارسی به جای مانده است، دآوری در مورد ویژگی‌های این نوع اشعار بسیار دشوار است و با قاطعیت نمی‌توان خصوصیات اشعار موجود را به کل آن اشعار - که در دست هم نیست - تمهیم داد. با این همه، بنا به قرائنی که ما را به چگونگی اشعار قدیم فارسی رهنمون می‌شود، بر این باوریم که شعر کوتاه از قالب‌های اصیل و اصلی ایرانی بوده است. از جمله این قرائن، نمونه‌های بهجا مانده از اشعار قدیم در متون فارسی و عربی است که بعداً بدان خواهیم پرداخت و سپس، استمرار این سنت، در فهلویات و اشعار عامیانه فارسی و بعدتر، در اشعار کوتاه دری و قالب‌های کلاسیکی همچون رباعی، دوبیتی و قطعات کوتاه است. یک قسم از سرودهای مانوی - که بخش عمده‌ای از اشعار ایران پیش از اسلام (دوره میانه) را تشکیل می‌دهد - به سرودهای کوتاه اختصاص داشته است. این سرودهای کوتاه در پارسی میانه «مهَر» (mahr) و در پارسی «باشاه» (bāsh) نامیده می‌شدند (تفضلی، ص ۳۴۸ - ۳۴۹؛ اسماعیل پور، ص ۱۹۵).

برای آن که بتوان تقسیم‌بندی روشنی از اشعار کوتاه قدیم به دست داد، ما آنها را به اعتبار تعداد سطرها (مصراع‌ها یا لخت‌ها) در سه بخش بررسی می‌کنیم: اشعار دو سطری، اشعار سه سطری و اشعار چهار سطری.



ق. منسوب است (ر.ک. صادقی، ص ۱۰۱)، با توجه به ویژگی‌هایش، مربوط به دورانی پیش‌تر از او باشد:

**اهوی کوهی در دشت چگونه رود
یار ندارد، بی یار چگونه رود**

(قیس رازی، ص ۲۰۱). (۴)

به هر حال، به نظر می‌رسد، شعرهای دو سطر از جمله کوتاه‌ترین قالب‌های شعر فارسی است که می‌توان امتداد آن را در ترانک‌های مردمی پشتو که به «لندی» معروف است، ره‌گیری کرد. لندی در پشتو به معنی کوتاهک است و دو پاره دارد: پاره اول کوتاه‌تر است و نه هجا دارد و پاره دوم که بلندتر است، دارای سیزده هجاست (فکرت، ص ۸):

د عاشقی مثال د تیغ دی

خوک چی په تیغ لوبی کوی زخمی بشینه

(همان، ص ۹۲، ۱۲۸)

اگر گردان: عشق همچون تیغ است / آن که با تیغ بازی کند، زخمی خواهد شد.

و یا سروده‌های بلوچی که به «لیکو» موسوم است و دو سطر هجایی است که با همراهی ساز قیچک خوانده می‌شود (مؤمنی، ص ۱۳). لیکو بر خلاف لندی که فاقد قافیه است، بسیار به قافیه مقید است:

تو سرودیک من ربابی یون

پرتی دیدارا چون کبابی یون

(همان، ص ۱۱۳، ۱۴۹)

اگر گردان: تو سرودی من ربابم / برای دیدن رویت چه کیام.

همچنین تکبیتی‌هایی که عوفی از یکی از معاریف بلخ به نام ابومحمد عبدالله (دوره غزنوی) نقل کرده، اگرچه در وهله نخست از نوع تفننات شاعران جلوه می‌کند، اما به احتمال بسیار متکی به یک سنت کهن است: «و را یک یک بیت فرد است که در نفس خود تمام است و اگر تمام کند، از ذوق دور افتد و از معنی بی بهره ماند» (ج ۲، ص ۴۶ - ۴۷). این ابیات از لحاظ اقلیمی (بلخ) به ریشه اشعار عامیانه مردم بلوچ و پشتون بسیار نزدیک است:

گر بر گشتم این فرو شده پای از گل

هرگز ندم به هیچ نامردم دل

(همان، ص ۴۷).

ترانه‌های دو سطر کردی نیز شبیه لیکوهای بلوچی دارای قافیه است و پیشینه‌ای کهن دارد:

بنی سر دلم ناسکه په نجه کت

باوه شینیم که بدنه گریجه کت

(اسماعیل پور، ص ۱۷۳).

اگر گردان: دست نازکت را بر دلم بگذار / و با گیسوانت بادم بزن.

تکبیت‌گویی در سده یازدهم هجری به یکی از اشتغالات ذهنی شاعران دوره صفوی تبدیل شد و دیوان شاعری نیست که ازین تکبیت‌ها خالی باشد. حتی گرایش ادیبان و اهل ذوق به تکبیت‌ها چنان بود که از میان ابیات غزلیات شاعران این دوره تکبیت‌های نابش را برمی‌گزینند و در جنگ‌ها و سفینه‌ها و تذکرها و مجموعه‌های شعر نقل می‌کردند. (۵)

ب. اشعار کوتاه سه سطر

از جمله اشعار قدیم فارسی که اطلاعات خوبی در مورد آن در دست

است، نوعی اشعار ملهون است به نام «خسروانی» که اکنون می‌دانیم اشعار سه لختی بوده است. مؤلف تاریخ سیستان و قابوسنامه و عوفی و خواجه نصیرالدین طوسی و شمس قیس رازی همگی از الحان و اوزان خسروانی یاد کرده‌اند، اما نمونه‌ای از این اشعار به دست ندهاند (اخوان ثالث، ۱۳۸۳، ص ۵۵۵ - ۵۵۷). (۶) مؤلفین دوره اسلامی به سبب آموختگی ذهنی به وزن عروضی، این اشعار را فاقد وزن می‌دانستند. خوشبختانه ابن خردادبه در کتاب «اللهو و الملهی» یک نمونه از خسروانی‌های بارید موسیقی‌دان و نوازنده بزرگ دربار خسرو پرویز (۵۹۰ - ۶۲۷ م.) نقل کرده است (شفیعی کدکنی، ص ۵۷۲ - ۵۷۳):

خاقان ماه ماند و قیصر خرشید

آن من خدای ابر ماند کامغاران

کخاهد ماه پوشند کخاهد خرشید.

این شعر، هجایی است و هر سطر آن ۱۰ تا ۱۱ هجا دارد و در سطرهای اول و سوم آن قافیه به کار رفته است.

مهدی اخوان ثالث، شاعر معاصر، بر مبنای توصیفات نویسندگان قدیم و نمونه به دست آمده از خسروانی‌های بارید، شش شعر کوتاه با عنوان «نوخسروانی» در وزن عروضی سروده که به قرار شعر بارید سه تایی است: «هر یک با سه مصرع در وزن‌های مختلف کوتاه و بلند و از لحاظ قافیه نیز یا مصرع اول با سوم قافیه دارد یا هر سه مصرع قافیه دارند» (اخوان ثالث، ۱۳۶۸، ص ۲۵۲) و در لته‌های اول و سوم قافیه دارد. یک نمونه از نوخسروانی‌های اخوان را می‌آوریم:

آب زلال و برگ گل بر آب

ماند به مه در برکه مهتاب

وین هر دو چون لبخند او در خواب

(همان، ص ۲۵۴). (۷)

نگارنده نیز بر همین مبنای، چند شعر کوتاه سه لختی در وزن رباعی سروده است که به قول اخوان ثالث، می‌تواند پیشنهادی باشد برای احیای این قالب اصیل شعر کوتاه ایرانی:

یک پاره ابر روی یک پاره ماه

می‌اید و از پیاده‌رو می‌گذرد

یک تکه سفید زیر یک تکه سیاه

(میرافضلی، ص ۹۳).

به گفته تفضلی (ص ۳۱۲)، قطعه کوتاه زیر که در توصیف نرگس است، احتمالاً در اصل به پهلوی بوده و بر اثر مرور زمان، خصوصیات فارسی نیز در آن راه یافته است:

نرگس از مرد دسته

مروارید فدو زسته

زرش در میان بسته.

به اعتقاد دکتر صادقی این شعر به فارسی دری محض است که احتمالاً در قرون اول هجری به وزنی غیرعروضی ساخته شده است (ص ۱۰۳). هر سه سطر این شعر دارای قافیه است و هر سطر آن هفت هجا دارد (اسماعیل پور، ص ۱۵۱). شعر زیر که به ماجرای یزید بن مفرغ اشاره دارد و در زمان خلافت یزید گفته شده (سال ۶۰ - ۶۴ ق.)، داری سه لخت هم قافیه است و هشت هجایی است:

آب است نیب است

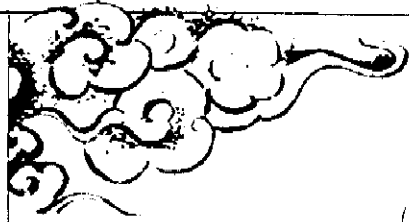
عصارات زیب است



تکبیت‌گویی در سده یازدهم هجری به یکی از اشتغالات ذهنی شاعران دوره صفوی تبدیل شد و دیوان شاعری نیست که ازین تکبیت‌ها خالی باشد



شماره ۶۱
مهرماه ۱۳۸۷



**تختش در بزم
بر آرید
بزم اندر نوکرد
شاه**

(بهار، ج ۱، ص ۱۱۴).

اگر بخواهیم از تداوم و

استمرار این قالب چهار سطر

در شعر دری یاد کنیم، بی‌گمان قالب‌هایی مثل رباعی و دوبیتی و قطعات دوبیتی به ذهن می‌رسد. رباعی و دوبیتی هر دو از قالب‌های کوتاه شعر فارسی است که ساخته ذهن و روح ایرانیان است و تحت‌تأثیر قالب‌ها و اوزان شعر عرب شکل نگرفته است (ر.ک. شفیع کدکنی، ص ۲۱۷). نه این که خواسته باشیم، از بابت ایرانی بودن این دو فرم شعری برتری خاصی برای آنها قائل شویم و قالب‌های دیگر را وارداتی بدانیم و ناچیز انگاریم. بحث این است که با نفوذ اسلام در ایران و تسلط فرهنگ عربی، شعر دری فارسی تحت تأثیر اوزان و قالب‌های شعری ادبیات عرب قرار گرفت. در این میان، قالب‌هایی مثل رباعی و دوبیتی (و مثنوی)، جزو فرم‌های شعری هستند که در ادبیات عرب سابقه نداشتند و علی‌الظاهر متعلق به دوران پیش از اسلام (عهد ساسانی) بوده‌اند و در شعر دری، خود را با عروض عربی سازگار نمودند و به حیات خود ادامه دادند. این قولی است که ملک‌الشعرای بهار در مقاله «محققانه شعر در ایران» (ج ۱، ص ۱۳۷) و جلال‌الدین همایی در سخن‌رانی خود با عنوان «رودکی و اختراع رباعی» بر آن تأکید دارند (ص ۹۳).

رباعی و دوبیتی از جهت تعداد مصراع‌ها و قافیه‌بندی (شکل شعری) کاملاً به هم شبیهند. تفاوت این دو قالب، یکی در وزن آنهاست و دیگری در محتوایی که هریک از این دو قالب به خود پذیرفته‌اند. یکی (رباعی) مقبول طبع شاعران رسمی قرار گرفته و دیگری (دوبیتی) زبان حال عامه مردم است. وزن رباعی و دوبیتی هر دو از شاخه‌های بحر هزج است که عروض دانان قدیم نیز آن را یکی از بهترین و مؤثرترین اوزان شعر فارسی دانسته‌اند. این بحر در شعر عرب از محور کم‌استعمال است و اعراب بحر هزج را اگر هم به کار برده‌اند، بیشتر در شکل مربع بوده نه مسدس که اساس وزن رباعی است (وحیدیان، ص ۵۲). به نظر بهار، بحر هزج مسدس محذوف یا بحر مشاکل که همان وزن دوبیتی است، از اوزان اشعار قدیم دوران ساسانی است که در دوران تمدن اسلامی اصلاحاتی در آن شده و به قالب عروض در آمده است. وی معتقد است منظومه پهلوی دوازده هجایی درخت اسوریک، در همین وزن بوده و به این نوع شعرها چامه می‌گفتند. وی لفظ ترانه را که هم به رباعی اطلاق می‌شود و هم به دوبیتی، مؤید پیشینه دیرین این دو قالب شعری می‌داند (ج ۱، ص ۱۲۷ - ۱۲۸).

قطعات دوبیتی شاعران مشرق ایران در عهد سامانی از قبیل: منجیک ترمذی، کسایی مروزی و آغاجی که دکتر شمیسا از آنها با عنوان هایکوی ایرانی یاد کرده است، نمونه چشم‌گیری از اشعار کوتاه چهار سطر است. این اشعار، دو ویژگی بارز دارند: در دو بیت سامان یافته و مبتنی بر تشبیهند (ص ۷۵ - ۷۶). این شعرهای چهار لختی، حاکی از برخورد بی‌واسطه شاعر با طبیعت و کشف و شکار لحظات زیبای آن است.

ملاحظات در مورد شعر کوتاه امروز

در دوران معاصر، فرم‌های کوتاه جدیدی تحت تأثیر ادبیات دیگر ملل

سمیه رو سید است

(صادق، ص ۶۸؛ نیز ر.ک. بهار، ج ۱، ص ۱۰۱). (۸)

این دو قطعه اخیر، یادآور نوعی شعر کوتاه سه لختی گردی است که به «سه خشتی» معروف است. سه خشتی دارای سطرهای هشت هجایی قافیه‌دار است (مسح، ص ۹؛ نیز ر.ک. بهار، ج ۱، ص ۱۲۳؛ اسماعیل‌پور، ص ۱۷۳):

واجی به ژنو واجی باله

کریه سری مه خیاله

توغه تی مه بی وی تاله

(مسح، ۹۹)

[برگردان: این چه قدی است و چه قامتی / در سرم هوای توست / لحظه‌هایم بی تو تلخ است].

ج اشعار کوتاه چهار سطر

از دیگر اشعار مربوط به قرون اولیه اسلامی پیش از رواج شعر دری فارسی، سرود چهار لختی کودکان بلخ است که به حوادث سال ۱۰۸ یا ۱۱۹ هجری مربوط است:

از ختلان آمدیه

تر و تباه آمدیه

ابار آمدیه

خشک نزار آمدیه

(صادق، ص ۷۰ - ۷۲).

و دیگر، شعر منسوب به ابوالینعی عباس بن طرخان (شاعر سده دوم ق.) در مورد خرابی‌های سمرقند است. این شعر چهار لختی را ابن خردادبه روایت کرده است:

سمرقند کندمند

بذینت کی افکند

از شانس ته بهی

همیشه ته خهی

(بهار، ج ۱، ص ۱۰۵).

ترتیب قافیه در این دو شعر متفاوت است. قافیه شعر ابوالینعی به گونه مثنوی است و قافیه شعر نخست نیز ظاهراً از همین قبیل بوده، اما دچار تغییر و تحریف بسیار شده است. شعر چهار لختی زیر که راغب اصفهانی در «محاضرات‌الادب» نقل کرده، نمونه دیگری از اشعار چهار لختی قدیم فارسی است:

ز یود هشتاد گور

تیرست دالمنه مرو

مار بی نه میرد

جنگش بوزنید مرد

(تفضلی، ص ۳۰۹).

به عقیده تفضلی، این اشعار دارای اصل پهلوی بوده، اما تا حدی تحت‌تأثیر اشعار عروضی دوره اسلامی قرار گرفته است. یکی از اشعار منسوب به ابوطاهر خسروانی (سده چهار ق) نیز تا حدودی یادگار اشعار کهن فارسی است. این شعر چهار لختی، هفت هجایی است:

شاهم بر گاه بر آرید

گاهش بر تخت زرین

اشعاری کدامروزه
تحت عنوان کلی «شعر
کوتاه» شناخته می‌شود
از لحاظ فرم و ساخت
وزن و آهنگ دارای
تفاوت‌های ماهوی
فرمان است. بر خلاف
فرم‌های کهن شعر
کوتاه، اعم از رسمی
و مردمی، که حدود و
نموز سطرها و لختها
و هجاها و تکیه‌ها و
قافیه‌ها و سجع‌ها در
انها کاملاً روشن است



جهان و از راه ترجمه (بویژه ترجمه های کوههای ژاپنی) تحت عنوان «طرح» و «طرحواره» وارد شعر فارسی شد و در کارهای محمد زهری و منصور اوجی به تدریج شکل بومی و ایرانی به خود گرفت. اکنون، شعر کوتاه یکی از شاخه های بالنده شعر امروز فارسی است. با این حال، همه اشعاری که امروزه تحت عنوان کلی «شعر کوتاه» شناخته می شود، از لحاظ فرم و ساخت و زبان و آهنگ دارای تفاوت های ماهوی فراوان است. بر خلاف فرم های کهن شعر کوتاه، اعم از رسمی و مردمی، که حدود و ثغور سطرها و لخت ها و هجاها و تکیه ها و قافیه ها و سجع ها در آنها کاملاً روشن است، برای هیچ کدام از شعرهای کوتاه دوران امروز، حد و مرزی نمی توان رسم کرد. پارهای، وزن نیمایی دارند و پارهای فاقد وزن بیرونی هستند. بعضی، قافیه دارند و اغلب فاقد قافیه هستند. تعداد سطرها نیز در این شعرها، حد معینی ندارد و بین دو تا ده سطر در نوسان است. تکیه بعضی از این شعرها تنها بر ایماژ و تصویرسازی است. مبنای شاعرانگی در برخی دیگر، بازی های زبانی و ایجاد تضاد و ارتباط میان صورت های واژگانی است. و در تعدادی دیگر از شعرهای کوتاه، از مضامین غافلگیرانه و نکته پردازی شاعرانه برای اعجاب خواننده بهره گرفته شده است.

دیده می شود که شاعری گاهی از همه این تکنیک ها در شعرهای کوتاه خود استفاده می کند و همین امر، تبیین و تعریف این نوع شعر را در شعر امروز با دشواری مواجه ساخته است. حتی در اشعار هایکو برداران ایرانی که به سیاق این فرم ژاپنی شعر می گویند حد و حصری که در اصل فرم «هایکو» وجود دارد و به روشنی و با دقت تمام و با ذکر همه جزئیات و شگردها توسط محققان و متخصصان هایکو تبیین شده است، دیده نمی شود. فرم شعری هایکو در زبان ژاپنی مبتنی بر سه مصراع هفده هجایی است: سطر اول و سوم پنج هجا دارد و سطر دوم هفت هجا. حتی بسیاری معتقدند در ترجمه هایکو، باید این سطر بندی را حفظ کرد، و گرنه محصول کار هایکو نخواهد بود. اما هایکوسرایان ایرانی تقریباً به هیچ وجه به این شیوه سطر بندی اعتقاد و اعتنائی ندارند و آنچه را هایکو می نامند، در دو تا پنج سطر سامان می دهند.

نداشتن چهارچوب و قاعده در فرم اشعار کوتاه معاصر، باعث شده است که دامنه شمول این نوع شعرها چندان وسیع گردد که بعضاً کلمات قصار شاعرانه و کاریکلماتورها، و حتی در بسیاری موارد اشعار ناتمام قوام نیافته بلاتکلیف نیز در این رده برای خود جایی دست و پا کنند. بخشی از این بلاتکلیفی، ناشی از بی رغبتی و عدم اهتمام سخنوران و شعرشناسان روزگار ما برای تدوین و تعریف و تبیین مبانی شعر کوتاه است. بی اعتنائی به سوابق این نوع شعرها در تاریخ ادب فارسی و عدم توجه و تلاش جدی برای تطبیق ظرافت ها و ظرفیت های شعرهای کوتاه کهن با مقتضیات روزگار ما، باعث سردرگمی شاعران و مخاطبان، هر دو، در خلق و مواجهه با این فرم پویا و تکان دهنده شعر امروز ما شده است.

پانویسها

- در مورد دیگر علت های مهجور ماندن اشعار ایران باستان، تفضلی معتقد است که رواج شعر دری و غلبه عروض جدید باعث فراموشی زبان و خط پهلوی و از رونق افتادن اشعار قدیمی شده است. همچنین وابستگی شعر قدیم به ساز و آواز و کیهامیت شدن موسیقی در دوره های اسلامی باعث شد این قبیل اشعار رونق همگانی خود را از دست بدهد و از یادها برود.
- این شعر در منابع دیگر با اختلافات زیاد نقل شده و تعداد سطرهای آن به چهار نیز رسیده است.

سطرهای الحاقی چنین است:

نام من بهرام گور

کنش به بوجله

(زک، بهار، ج ۱، ص ۸۹ - ۹۰؛ صادقی، ص ۵۵، پانویس ۵). اما اجماع پژوهشگران بر اصالت آن دو سطر اول بیشتر است. بهار اصل پهلوی شعر مذکور را چنین دانسته است:

من اوم شیری شلیک

او من اوم بیری بلک

(ج ۱، ص ۹۰).

۳) دکتر صادقی حدس می زند که اصل سرود مردم بخارا به زبان سفدی بوده و دو سطر بازمانده، ترجمه نری آن است که در شهرهای خراسان به کار می رفته است (ص ۶۷). احتمال دارد که اصل سرود مردم بخارا بیش از دو سطر بوده و دنباله آن از بین رفته است. آنچه فعلاً موجود است، سرودی است در دو لخت و بررسی ما نیز بر مبنای همین دو سطر است.

۴) این دو سطر که به گفته لازار وزن عروضی ندارد (صادقی، ص ۱۰۱) نیز دچار تغییر شده و عموماً سعی شده با افزودن یا جابجایی چند واژه، آن را به وزن عروضی نزدیک کنند.

۵) دکتر شمیس (ص ۲۸۷) معتقد است که قالب شعر در سبک دوره صفوی تک بیت است نه غزل و شاعر این ابیات منفرد را با نغ قافیه و ردیف به هم وصل کرده و از آنها غزلی ساخته است.

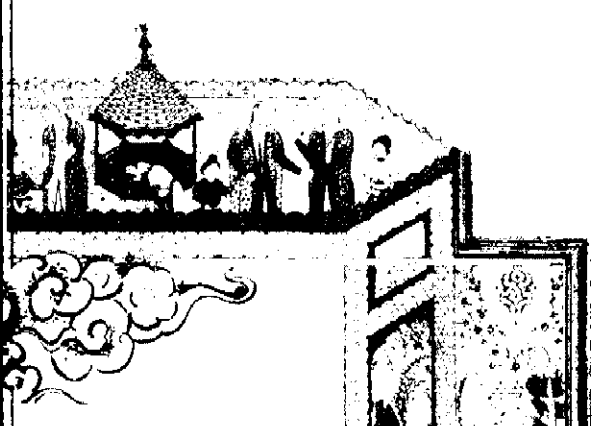
۶) مقاله اخوان نخستین بار با عنوان «خسروانی و لاسکوی» در مجله بعما (سال ۱۳، شماره ۱۰) به چاپ رسید و ما به جهت دسترسی نداشتن به مجله مذکور، آن را از کتاب آقای یارتا یاران نقل کردیم.

۷) از ششی «خسروانی» اخوان، پنج نای آن در مصرع اول و سوم قافیه دارد، و فقط یکی از آنها سه قافیهای است.

۸) البته توجه باید داشت که ما در این شعر به موسیقی قافیه توجه داریم نه هم حرفی کامل قوافی آن.

منابع و مأخذ

- ابوالقاسمی، محسن، شعر در ایران پیش از اسلام، تهران، ۱۳۸۳
- اخوان ثالث، مهدی، «خسروانی و لاسکوی»، خسروانی، یارتا یاران، تهران، ۱۳۸۳، ص ۵۵۵ - ۵۶۷
- در حیات کوچک پاییز در زندان، تهران، ۱۳۶۸
- اسماعیل پور، ابوالقاسم، سرودهای روشنائی: جستاری در شعر ایران باستان و میانه و سرودهای مانوی، تهران، ۱۳۸۶
- بهار، محمد تقی، بهار و ادب فارسی (مقالات)، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ج ۲
- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، ۱۳۷۶
- شفعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۸
- شمیس، سربوس، سبک شناسی شعر، تهران، ۱۳۷۴
- صادقی، علی اشرف، تکوین زبان فارسی، تهران، ۱۳۵۷
- طبیب زاده، امجد، تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی، تهران، ۱۳۸۲
- عوفی، محمد، لباب الالباب، به سعی و اهتمام انوار برارون، لیبس، ۲۰۱۹۰۳، ج ۲
- فکرت، محمد آصف، لندی، تراکهای مردمی پشتو، شهید، ۱۳۸۰
- قیس رازی، شمس الدین محمد المعجم فی معاییر اشعار المعجم، به تصحیح محمد قزوینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰
- گاوون، محمود، مناظر الاثناء تصحیح مصومه معین کن، تهران، ۱۳۸۱
- مسیح، هورا، سه خشتی، ترانه های کوچک کرمانج، تهران، ۱۳۸۶
- مؤمنی، منصور، صد لیکو، سرودهای بلوچی، تهران، ۱۳۸۴
- میرافضلی، سیدعلی، گنجشک ناتمام، تهران، ۱۳۸۳
- وحیدیان کامیار، تقی، بررسی منشأ وزن شعر فارسی، تهران، ۱۳۷۰
- همایی، جلال، محرم اسرار، تهران، ۱۳۷۹



پانویسها

- در مورد دیگر علت های مهجور ماندن اشعار ایران باستان، تفضلی معتقد است که رواج شعر دری و غلبه عروض جدید باعث فراموشی زبان و خط پهلوی و از رونق افتادن اشعار قدیمی شده است. همچنین وابستگی شعر قدیم به ساز و آواز و کیهامیت شدن موسیقی در دوره های اسلامی باعث شد این قبیل اشعار رونق همگانی خود را از دست بدهد و از یادها برود.
- این شعر در منابع دیگر با اختلافات زیاد نقل شده و تعداد سطرهای آن به چهار نیز رسیده است.